گزارش سیاسی

پشت‌پرده دوری جلیلی از رئیسی

● **مهرشاد ایمانی:** اخیرا خبری در رسانه‌ها منتشر شـده که سعید جلیلی پیشنهاد مشـاور راهبردی ریاست‌جمهوری را رد کرده است؛ موضوعی که به برخی پرسـش‌های پیشین دامن می‌زند؛ اینکه چرا سعید جلیلی تاکنون پستی نگرفته است؟ آیا رئیسی او را بازی نداده یا آنکه او خود تمایلی به همکاری با دولت رئیسی نداشته است؟ یا آنکه اصلا جلیلی برخلاف تصور عمومی، خود را حتی دولت در سایه دولت رئیسـی نیز می‌داند؛ چه آنکه او از سال ۹۲ تا ۱۴۰۰ به‌صورت رسـمی می‌گفت دولت در سایه دولت روحانی است و شـاید بخواهد در آینده نیز همین نقش را ادامه دهد. به‌هرحال هرچه هست، جلیلی نه معاون اول دولت شـد، نه وزارتخانه‌ای، خاصه وزارت امور خارجه، به او رسید و نه به‌عنوان دبیر شـورای امنیت ملی منصوب شد و حتی به او پیشنهاد مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای هم داده نشد و تنها مسـئولیتی که برای سـعید جلیلی در نظر گرفته شد، مشـاور راهبردی رئیس‌جمهور بود که جلیلی آن را رد کرد.

در ایـن بیـن می‌شـود چند فرضیـه را مطرح کرد؛ نخست آنکه شـاید جلیلی سِمت پیشنهادی را درخـور خـود نمی‌داند؛ زیرا او پیـش از این دو بار، یکی در سـال ۹۲ و یکی در سـال ۱۴۰۰، نامزد ریاست‌جمهوری شد که در یکی نفر سوم شد و در دیگری به نفع رئیسـی کنار کشید. او در بازه زمانی ۹۲ تا ۱۴۰۰ هم جز عضویت در مجمع تشـخیص مسـئولیت مهم دیگری نداشت و خود را با عنوان دولت در سـایه تعریف می‌کرد تا نشـان دهد که شـأنیتی برابر ریاسـت‌جمهوری بـرای خود قائل اسـت. حتی گمانه‌زنی‌های زیـادی مطرح بود که جلیلی در انتخابات مجلس یازدهم شرکت می‌کند و عزم ریاسـت مجلس خواهد داشت، اما جلیلی به تنها مسـئولیتی که روی خوش نشـان می‌داد ریاست‌جمهوری بود و همین شـد که در ۱۴۰۰ در قامـت رقیب رئیسـی وارد میدان شـد و حتی در فرازهایی از مناظره‌ها نشان داد چندان با رئیسی در

موضوع مهمی همچون سیاسـت خارجی همسو نیست؛ چنان‌که در مسئله FATF آشکارا گفت که نباید به آن پیوسـت و رئیسی گفت که نفیا یا ایجابا نظر خاصی ندارم و هرچه به مصلحت کشور باشد. جلیلی درباره مذاکرات هـم بدبینی خاصی دارد؛ برخلاف رئیسی که بارها گفته است ما مذاکرات را نفی نمی‌کنیم.

فرضیه دوم آن اسـت که جدای از آنکه جلیلی شـأنی بالاتر از مشـاور رئیس‌جمهور بـرای خود قائل اسـت، اساسا خود را بدنه‌ای از دولت رئیسی نمی‌داند که این هم ریشـه در گذشـته دارد. گویا جلیلـی و طرفدارانـش از گفتمـان انقلابی‌بودن تعریفـی فراتـر از رئیسـی دارند. بـه تعبیر دیگر رئیسـی از نظر حلقه نزدیکان جلیلی یک انقلابی دوآتشـه محسـوب نمی‌شـود؛ چه آنکـه همین نیروها این شـائبه را به وجـود آوردند که آن چهار میلیـون رأی باطلـه، آرای جلیلی بود. از آن سـو هم به نظر می‌رسـد رئیسـی نیز جلیلی را نیروی مفید فایده‌ای برای پیشـبرد اهداف دولتش نداند؛ زیرا جلیلی نـگاه خاص خود را به‌ویـژه در حوزه سیاسـت خارجی دارد و برخلاف دیگر مسـئولان دولتی سـعی می‌کند بر اساس تشخیص فردی در عالم سیاسـت قدم بردارد. با ذکر این اوصاف شاید بتوان گفت اساسا آب جلیلی و رئیسی در یک جوی نمی‌رود و به همین دلیل هم هسـت که رئیسـی تاکنون پیشـنهاد درخـوری به او نـداده و جلیلی نیـز واقعا دنبال اخذ سِـمت در دولت سـیزدهم نبوده است.

در پایان فرضیـه‌ای دیگر هم وجود دارد؛ اینکه جلیلی در عین حال که اختلاف‌نظرهایی با رئیسی دارد، می‌خواهد نقش پشت‌پرده‌ای در دولت بازی کند؛ به این معنا که جلیلی تصمیم دارد با نگرفتن هرگونه سِمتی، تصمیمات و نظراتش را در شرایطی در بدنـه دولت جاری کند که نقش مسـتقیمی از خود به جای نگذارد. برای مثال با نگاهی به ترکیب تیم مذاکره‌کننده هسـته‌ای می‌تـوان دریافت که سایه سعید جلیلی بر هیئت مذاکره‌کننده سنگینی می‌کند؛ کسـانی که روزگاری به‌عنوان دسـتیاران جلیلی در مذاکرات هسته‌ای حضور داشتند. گرچه گفته می‌شـود سیاسـت خارجی از سـوی وزارت خارجـه تعیین نمی‌شـود و نهادهای بالادسـتی مانند شـورای عالی امنیت ملـی در این موضوع تصمیم‌ساز هسـتند، اما بدون تردید شیوه مذاکره می‌تواند تأثیر مهمی بـر نتیجه مذاکرات بگذارد و گویا سـعید جلیلی در گام اول می‌کوشد سایه و به نوعی حضور معنـوی‌اش در مذاکرات پیش‌رو در وین احساس شود.

به‌هرحال سـعید جلیلی در این سال‌ها یکی از نیروهای مهم سیاسی بوده است و نمی‌توان انکار کرد که طرفدارانی نیز دارد؛ طرفدارانی که رئیسـی را «صالـح» و جلیلی را «اصلح» می‌دانند. ازاین‌رو باید منتظر ماند و دید سرنوشت این چهره سیاسی چه می‌شود.

ایران و زلزله انتخاباتی در عراق

روح‌اله نخعی: جنجال‌ها و درگیری‌های بعد از انتخابات عراق به جایی رسـید که دیروز خبر سـوءقصد به محل اقامت نخست‌وزیر این کشور مطرح شـد و البته حتی درباره چندوچون همین سوءقصد نیز اختلاف روایت وجود دارد. مسـئله تعیین تکلیف برای گروه حشدالشـعبی و اختـلاف موضع گروه‌های نزدیـک به ایران و دیگـران دراین‌باره نیز ازجمله بحث‌های کلیدی در این زمینه بوده است. برای بررسی وقایع اخیرعراق و به‌طـور خاص، تبعات احتمالی این وقایع بر روابط ایران و عراق و نیز منافع ایران در منطقه سراغ دو کارشناس برجسته مسائل عراق رفتیـم. در گفت‌وگوهایی که می‌خوانید، حسـن رویوران حمله اخیر به نخسـت‌وزیر را بـا هدف متهم‌کردن ایران می‌بیند و اردشـیر پشنگ هشـدار می‌دهد که ایران در دام قرارگرفتن در میان اختلافات جناح‌های داخلی عراق نیفتد.

حسن رویوران، کارشناس مسائل منطقه:

حمله به کاظمی برای متهم‌کردن ایران بود

مسـیر درگیری‌ها در عراق را کـه به این حمله منتهی شد، چگونه می‌بینید؟

بگذارید از این حمله و آخرین خبرش شـروع کنیم. این حمله‌ای که انجام گرفته به نظرم سـه گزینه بیشتر ندارد. یک گزینه این اسـت کـه مخالفان آقای کاظمی اقدام کرده‌انـد. اما الان مخالفان آقـای کاظمی کاملا قانون‌مدار رفتار می‌کنند، نسـبت به انتخابات اعتراض دارند و اعتراضشان را به کمیسـاری انتخابات گفته‌اند و در اطـراف منطقه سـبز تحصن کرده‌انـد. علی‌رغم اینکـه دولت آمد چادرهای اینهـا را آتش زد و به اینها حمله مسـلحانه کرد و افرادی کشته و زخمی شدند، تا همین الان در چارچوب قانون حقوق خودشان را دنبال می‌کننـد و هیچ اقـدام غیرقانونی انجـام نداده‌اند. به همین دلیل این اقدام غیرقانونی هم نمی‌تواند از طرف اینها باشد. گزینه دوم اینکه آیا ممکن است آقای کاظمی خودزنی کرده باشد؟ این احتمال وجود دارد؛ مخصوصا کـه آقای کاظمی الان رفتارهای فراقانونی زیادی انجام داده اسـت. مردم را سرکوب کرده است. این حق مردم اسـت که می‌توانند اعتراض کنند و قانون اساسی آن را ضمانت کرده اسـت. در شرایطی که او در مقابل مردم قرار گرفته، ممکن است با همین حادثه موضوع پوشیده شود و تحت‌الشعاع قرار بگیرد و ممکن است اقدامات بیشتری برای سـرکوب مردم انجام شود و به خواست مردم عدم تمکین شود. الان معترضان انتخابات چیزی جز شـمارش دسـتی درخواسـت نکرده‌اند. چرا نباید شمارش دستی انجام شود؟ چرا نباید پاسخی به مردم و اعتـراض آنها داده شـود؟ بنابراین این احتمال وجود دارد که حادثه اتفاق افتاده باشد که تمام این رفتارهای غیرقانونـی دولت را به گونـه‌ای توجیه کند. مثلا دادن سـه میلیارد دلار به اقلیم کردستان، خارج از چارچوب بودجه و تحت این عنوان که سـیل و بارندگی در اربیل بوده اسـت. من متوجه نمی‌شوم این چه معنایی دارد. اساسـا این دولت توان دادن این پول خارج از چارچوب قانون بودجـه را ندارد. بودجه در مجلس باید تصویب شـود. سناریوی سـومی که ممکن اسـت اتفاق افتاده باشـد، این است که آقای کاظمی مأموریت‌هایی داشته و آنهـا را انجام داده و حـالا آنهایی که این مأموریت‌ها را بـه او داده‌اند می‌خواهند حذفش کنند. همان‌طوری کـه درباره حریری چنین شـد، همان‌طـور که خیلی از افرادی که مأموریتی داشتند، بعد از انجام حذف شدند و حذفشـان هم به ایجاد یک فتنه منجر شده است. این هم به‌عنوان یـک احتمال وجود دارد. لـذا آنچه دارد اتفـاق می‌افتد قطعا یک نوع تلاش برای ایجاد فتنه در عراق اسـت و این رفتار یعنی رفتار حذفی، رفتار چندان قابل دفاعی نیست. بعید می‌دانم نیروهایی که پایبند به مبانی اخلاقی هسـتند، این‌گونه رفتارها را تأیید کنند یا انجام دهند.

گروه‌های نزدیک به ایران کجای این تقابل قرار گرفته‌اند؟

ببینید کلا نیروهای شیعه در این انتخابات دچار یک قطب‌بندی شده‌اند؛ یک‌سـری همراه با حشدالشعبی هستند و یک‌سری دنبال این هستند که یا حشدالشعبی منحل شـود یا در نیروهای مسـلح دیگر ادغام شود. نیروهای صدری جزء دسـته دوم هستند و بقیه نیروها تقریبا در دسـته اول هسـتند. همیـن الان هم بعد از انتخابـات، علی‌رغم اعتـراض به نتایـج انتخابات و متهم‌کـردن دولـت به مهندسـی انتخابـات، جریان آقـای صدر ۷۳ کرسـی در اختیـار دارد، در حالی که چارچوب هماهنگی ۹۶ کرسـی دارد. یعنی طرفداران حشدالشـعبی الان علی‌رغـم همـه اعتراضاتی که می‌شـود، دسـت بالا را دارنـد و طبق تفسـیر قانون اساسـی از انتخابات، ائتلاف بزرگ‌تر در اولین جلسـه پارلمـان می‌توانـد مأمور شـود به تشـکیل دولت و تعییـن نخسـت‌وزیر. بنابراین الان شـانس طرفداران حشدالشـعبی بیـش از مقتدی صدر اسـت. هرچند بسیاری از دلسـوزان شیعه معتقدند نباید نه این گروه و نه آن گروه به‌تنهایی این کار را انجام دهند، بلکه این دو گروه شیعه باید با یک تفاهم دولت جدید را تشکیل بدهند و این به نفع شیعه است. اینکه گروه‌های شیعه هـر دو در کنار و با همکاری هـم در حاکمیت حضور داشته باشند.

فکر می‌کنیـد این تقابل بین گروه‌های شـیعی چطور ممکن اسـت روی روابط ایران و عراق تأثیر بگذارد؟

ببینید این چالش از ابتدای سـقوط بوده و هسـت. روی روابـط ایـران با عـراق تأثیـر آن‌چنانی نداشـته اسـت. رابطـه ایران و عـراق فراتـر از احزاب اسـت. اشـتراک تاریخی و مذهبی، اشـتراک سیاسـی و فکری وجـود دارد بین شـیعه در ایـران و عراق. اگـر اقلیتی در شـیعه حـالا مثـل همیـن حرکتی که در سـاحت التحریر حضور پیـدا کردند، تـلاش کرده‌اند یک جریان سـکولار ایجاد کنند، موفق نبوده‌انـد. در این انتخابات حرکت امتـداد که نماینده اینهاسـت از ۳۲۹ کرسـی، ۹ کرسی بیشـتر نیاورده است. این نشان می‌دهد جریان سفارتخانه‌ها و تقسیم جامعه عراق به دو جبهه سکولار و مذهبـی موفق نبوده اسـت. جامعه عـراق، جامعه مذهبی است و این تلاش تا الان ناموفق بوده است.

فکر می‌کنید ماجرا از لحـاظ منافع ایران به چه سمتی می‌رود؟

آنهایـی که این کار را انجام دادنـد برای متهم‌کردن طرفداران حشدالشعبی این کار را کرده‌اند و متهم‌کردن ایران. اینکه گفته‌اند پهپاد بوده، می‌خواهند بگویند پهپاد ایرانی بوده و از طرف حشدالشـعبی. کسی که این کار را انجام داده دو هدف را هم‌زمان انتخاب کرده است؛ یکی ایران و یکی حشدالشـعبی که مورد حمله و مورد اتهام قرار بگیرد. اما من تصور می‌کنم جامعه عراق هوشیارتر از این هستند که در چنین دامی قرار بگیرند یا چنین کاری را تأیید کنند.

فکر می‌کنید پروژه‌ای که عراق برای نشست‌های منطقه‌ای پیگیری می‌کرد، در نتیجه این اتفاقات دچار مشکل می‌شود؟

ببینید عراق در جست‌وجوی بازیابی نقش منطقه‌ای خودش است؛ چه آقای مالکی باشد، چه کاظمی و چه هر فرد دیگری. آن تلاش، تلاشی است برای اینکه عراق در منطقه نقشـی ایفا کند. تصورم بر این اسـت که این هدف، هدف ملی عراق است و هرکس نخست‌وزیر شود این را دنبال خواهد کرد. هیچ تغییری در این زمینه ایجاد نخواهد شد.

اردشیر پشنگ، کارشناس مسائل منطقه:

ایران مراقب فروغلتیدن در جنگ قدرت داخلی عراق باشد

اتفاقی را کـه الان در عراق افتاده چطور ارزیابی می‌کنید؟ چطور کار به این نقطه رسیده است؟

همان‌طـور کـه می‌دانیـم روز ۱۰ اکتبـر [۱۸ مهر] انتخابات پارلمانی در عراق برگزار شـد؛ انتخاباتی که با کمترین مشارکت نسـبت به دوره‌های پیشین روی داد و تحـت تأثیر انقلاب اکتبـر ۲۰۱۹ معترضان عراقی، کمی زودتـر از موعد مقرر برگزار شـد. یکـی از نکات متمایز این انتخابات، تغییر مکانیسـم انتخابات از ۱۹ استان به ۸۳ منطقه و سیسـتم لیستی به سیسـتم فردی بود. به همین دلیل نتایج نیز به طرز شگفت‌انگیزی تغییر کردند و همان‌طور که می‌دانیم در آن جریان صدر با کسب ۷۳ کرسی به‌عنوان ائتلاف نخسـت پیروز انتخابات شد؛ اما در سـوی دیگر ماجرا جریان مقابل در بیت شیعی که از آن به نام جریان مقاومت یاد می‌شود، یعنی ائتلاف‌های دولت قانـون و الفتح کـه مجموعه گروه‌های حشـد الشـعبی است، مجموعا ۵۲ کرسی کسب کردند. تفسیر اولیـه این نتایج حاکی از شکسـت جریان مقاومت و به تعبیری دیگر جریان نزدیک به جمهوری اسـلامی ایران در عـراق در مقابل جریان منتقد ایـران و آمریکا تحت رهبری مقتدی صدر بود. همچنین چون شیعیان از نظر جمعیتی با داشـتن حداقل ۶۰ درصـد جمعیت، گروه نخسـت جمعیتی در عراق هسـتند، همواره فراکسیون اکثریـت در داخل گروه‌های شـیعی و با ائتلاف و توافق آنها ایجاد شـده است؛ اما در این دوره چون هم گروه‌ها خط‌کشی‌های سیاسی مشخص‌تر و مواضع متفاوت‌تری دارنـد و هم فاصلـه تعداد کرسـی‌های جریان صدر از دیگران بیشتر است، شاهد هسـتیم از یک سو بازندگان انتخابـات به نتایج و نحوه برگـزاری آن اعتراض کرده و مدعی تقلب و تخلف شـده‌اند و از سـوی دیگر آنها در تلاش هستند همچنان بخشی از دولت آینده عراق باقی بمانند، درحالی‌که مقتدی صدر چندان انگیزه و تمایلی برای این کار از خود نشان نداده است.

شکست مذاکرات دو هفته اخیر باعث شد روز جمعه هـواداران جریان‌های فتـح و دولت قانـون به خیابان بیایند. این اعتراضات نهایتا با تیراندازی‌های مشکوکی که طرفین یکدیگر را متهم می‌کنند، به خشونت کشیده شد. شـب پس از این تحولات هم شاهد یک حمله پهپادی به محل اسـتقرار نخسـت‌وزیر در منطقه سـبز بغداد بوده‌ایـم. همه اینها حاکی از آن اسـت که آژیر قرمز در بغداد به صدا درآمده و این کشـور درگیر یک بحران در حال گسترش است.

برخی ناظران می‌گویند این حمله ممکن اسـت به تعبیری خودزنی باشد برای استفاده سیاسی. شما چنین چیزی را محتمل می‌دانید؟

درحال‌حاضـر در این موضوع هـم هریک از طرفین انگشـت اتهام را به سـوی طرف مقابـل دراز می‌کنند؛ چراکه برای وقوع این حادثه طرفین دارای انگیزه هستند. یک سـوی میـدان که ائتلاف‌هـای معترض بـه نتایج انتخابات هسـتند، از سوی برخی مقامات متهم شده‌اند که در پی این حمله نافرجام، به‌دنبال انجام کودتا علیه دولت مسـتقر و برهـم‌زدن نتایج انتخابـات پارلمانی هسـتند. نحوه انجـام حمله یعنی اسـتفاده از پهپاد و نیز انتشـار تهدیدهای روزمره برخـی رهبران آنها علیه نخست‌وزیر در روزهای گذشته ازجمله استناداتی است که جریان نزدیک به نخسـت‌وزیر به آن استناد می‌کنند؛ اما سوی دیگر ماجرا نیز همین دیدگاهی را که پرسیدید، مطرح می‌کنند؛ کمااینکه یکی از رهبران حشدالشـعبی مدعی شده اسـت اگر قرار بود نخسـت‌وزیر ترور شود، با شـیوه‌های راحت‌تر و بهتری انجام می‌شد و انگشت اتهام را به سمت خود نخست‌وزیر، جریان مقتدی صدر و همراهی آمریکا در ایجاد این سـناریو نشـانه می‌روند، چون این حمله نافرجام بهانه لازم برای افزایش فشار بر جریان‌های مختلف حشدالشعبی و منتقدان نخست‌وزیر و مقتدی صدر را فراهم می‌کند. در نتیجه درحال‌حاضر نمی‌توان گفت کدام سـناریو دقیقا درسـت اسـت؛ اما باید متذکر شـد فارغ از اینکه واقعیت ماجرا چیسـت و حمله‌کننـدگان واقعی چه کسـانی‌اند، به‌طور معمول و طبیعـی قرائت رسـمی دولت مرکزی، شـنونده‌های بیشتری دارد و در عرصه دیپلماسی این قرائت است که مورد پذیرش بیشتر قرار می‌گیرد.

گروه‌های نزدیک به ایران در این تقابل چه نقشی بازی می‌کنند؟

همان‌طور که اشـاره شـد، این ماجرا دو بخش دارد که یک بخش آن گروه‌های سیاسـی نزدیک‌تر و متمایل به ایران هسـتند و بخش دیگر گروه‌هایی هسـتند که تا حـدی با ایران فاصله دارنـد. در انتخابات اخیر، مقتدی صدر بدون آنکه به‌طور مستقیم نامی از ایران بیاورد، در عمل نوعی موج‌آفرینی کرد که خود را دیگرِ جمهوری اسلامی ایران در عراق نشـان دهد. او حتی در نخستین واکنش به نتایج انتخابات نیز بر همین روال انتخاباتی‌اش تأکید کرد.درعین‌حال برخـی خبرگزاری‌ها و جریان‌های رسانه‌ای رسمی داخل کشور هم با حمایت‌های خود از فهرست موسوم به جبهه مقاومت در فضای انتخاباتی، به این دوگانه‌سـازی به‌نوعی دامن زدند؛ امری که کاملا مقتدی صدر به‌دنبال آن بود. اگر دقت کنید نحوه پوشش نتایج انتخابات در عـراق یا تحولات پس از انتخابات در عراق از سـوی رسـانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هم نوعی دامن‌زدن و دوقطبی‌کردن این ماجراست؛ آنجا که بـا تیترهایی نظیر «گروه‌های نزدیک به ایران انتخابات را باختند» یا «گروه‌های نزدیک به ایران به نشـانه اعتراض به انتخابات به خیابان‌ها آمدند». همه اینها باعث شده اسـت تا عملا در شـبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها این ذهنیت ایجاد شود که ایران یک پای ماجراست و مسئله و بحـران موجود اختلاف میـان گروه‌های نزدیک یا دور از ایران است.

البتـه این طبیعی اسـت، چون جمهوری اسـلامی ایـران بانفوذترین و مهم‌ترین بازیگر سـال‌های اخیر در فضای سیاسـی عراق است؛ اما رقابت‌ها و مسائل میان گروه‌ها و احزاب عراقی، امری بسـیار فراتر و گسترده‌تر از دوری و نزدیکی به ایران تحت تأثیر جمهوری اسـلامی اسـت. بااین‌حال، همان‌طور که اشـاره شـد، یکی از دو جریـان اصلی انتخابات سـعی کرد در حیـن انتخابات بـا پررنگ‌کـردن گفتمـان ملی‌گرایی عراقـی و نوعی خارجی‌سـتیزی اعم از آمریکا و دیگران از این فضا برای پیروزی خود بهره‌برداری کند.

چشـم‌انداز این اختلاف را چطور می‌بینید و فکر می‌کنید صحنه به کدام سمت می‌رود؟

در سال ۲۰۱۰ عراق وارد یک بن‌بست سیاسی ۹ماهه پس از دومین انتخابات پارلمانی‌اش شد. برخی معتقدند در این دوره هم باید شاهد چنین وضعیتی باشیم. اما به باور بنده باید منتظر ماند و دید واکنش عملی جناح‌های مقتدی صدر و مصطفی الکاظمی به این شرایط چیست. در هـر صـورت این حملـه نافرجام چه یـک عملیات تروریستی باشد و چه یک اقدام ساختگی، یک فرصت را در اختیار این گروه برای پیشبرد برنامه‌ها و اهدافشان قرار داده است؛ آنها و به‌خصوص مقتدی صدر دنبال تشکیل دولت اکثریت به جای دولت وحدت ملی هستند. از نظر تعداد کرسـی‌ها هم با ائتلاف با کُردها و نیز اهل سنت مشکل خاصی برای رسیدن به ۱۶۵ کرسی و حتی تا ۱۹۵ کرسی ندارند و در این دولت نمی‌خواهند ائتلاف دولت قانون و حتی‌الامـکان فتح را وارد کنند و هم‌زمان اقدام به خلع سلاح کامل گروه‌های حشدالشعبی و آوردن آنها زیر فرمان نخسـت‌وزیر کنند. در نتیجـه این رویداد فعلا یک بهانه مناسـب می‌تواند باشد تا از آن برای دستیابی به اهدافشان بهره‌برداری کنند. هرچند از سوی دیگر این رویداد نشان داده که مصلحت عمومی عراق، جلوگیری از دوقطبی‌شـدن جریانات سیاسـی در بغداد و کاهش تنش اسـت و در چنین شـرایطی فرمول دولت وحدت ملی و کاهش از فشـار می‌تواند راهکار موقتی باشد؛ اما هنوز برای یافتن پاسخ این سؤال که سرانجام چه خواهد شد باید منتظر ماند. در کل ایران باید مراقب فروغلتیدن در جنگ قدرت میـان جریان‌ها و احزاب رقیب در عراق باشد.

فکر می‌کنید این اختلاف ممکن است چه تأثیری روی روابط ایـران و عراق و منافع ایـران در عراق بگذارد؟

تلاش بسـیاری وجود دارد که نوعی دیگری‌سـازی در عراق صورت پذیرد و آن دیگری «جمهوری اسلامی ایران» معرفی شود. اشاره کردم حتی در پوشش خبرها نیز چنیـن حرکتی دیده می‌شـود. در عـراق بازیگران داخلی، منطقـه‌ای و فرامنطقـه‌ای متعددی حضور و نفـوذ دارند که دارای تضاد منافع و هدف هسـتند و هریک در تلاش‌اند با ائتلاف و اتحادهایی بین حلقه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، رقبای خود را در هریک از این سه سطح به عقب برانند. به باور بنده ایران یکی از معدود کشـورهایی اسـت که ظرفیتی فراتر از بودن در یـک یا دو حلقه در عراق دارد. داشـتن هزارو ۶۰۹ کیلومتر مرز مشـترک، تبار مشـترک هویتی با کُردها در شـمال این کشور، مذهبی مشـترک با شیعیان در مرکز و جنوب این کشـور و کلا روابط مختلف و درهم‌تنیده، موقعیـت و ظرفیتی را در اختیار ایران قرار داده اسـت که هیچ بازیگـر دیگری آن را نـدارد؛ بنابراین در اینجا سیاست‌مداران ایرانی و کاربدستان سیاست خارجی باید بسیار هوشیارانه در قبال تحولات عراق اظهارنظر کنند و واکنش نشـان دهند. نباید در سناریوی دیگری‌سازی و دو قطبی‌کردن ایرانی - عراقی بیفتند. پیش‌تر کشـور با چند اظهارنظر نامناسـب از سوی برخی چهره‌های سابقا دیپلماتیکش در قبال عراق، به اندازه کافی آب در این آسیاب ریخته و از این مسئله آسیب دیده است؛ در نتیجه در شرایط فعلی باید پرهیز از هیجان‌زدگی، تلاش برای داشتن رابطه و بهبود رابطه با همه گروه‌ها و ایفای نقش موازنه‌گر و برادر بزرگ‌تر در عراق را به‌طور عملی در پیش بگیرد تا از نظر زمانی از این وضعیت پرهیجان و مه‌آلود فعلـی در بغداد فاصلـه بگیریم. در همین رابطه مقامـات مختلفی از کشـورمان در قبال حمله پهپادی به نخسـت‌وزیر عراق واکنش نشان دادند. باید در اینجـا تأکید کرد واکنش سـخنگوی وزارت خارجه دوراندیشانه، دیپلماتیک و مناسب بود.

ادامه از صفحه اول

مدیریت بحران در شرایط پیچیده استان تهران

افزایش ریسک سوانح شاخص توسعه ناپایدار است و کاهش ریسک سوانح مستلزم لحاظ‌شدن سیاست کاهش ریسک سانحه و عملکرد مدیریت ریسک در اهداف توسعه پایدار است. به‌طور سنتی مقابله با سوانح بر واکنش اضطراری -پاسخ بعد از وقوع معمولا سـوانح آنی- متمرکز بوده است، اما در اواخر قرن بیستم به‌طور فزاینده‌ای تشخیص داده شد که سوانح و آسیب‌پذیری ناشی از آنها به عملکرد انسـان‌ها و نحوه توسعه مربوط هستند. فقط با کاهش و مدیریت ریسک عمدتا پیشگیرانه و کم‌کـردن معرضیت و آسـیب‌پذیری می‌توانیم از تلفـات جلوگیری کرده و آثار سـوانح را کاهش دهیم. از آنجا که ما نمی‌توانیم شـدت بسیاری از مخاطـرات طبیعی را کاهش دهیـم، اصلی‌ترین فرصت برای کاهش ریسک در کاهش آسیب‌پذیری و کمتر قرارگرفتن در معرض آن است.

ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه ۲

پیامدهای سیاست‌گذاری اشتباه در اقتصاد کلان

مگر می‌شود طبق آمار رسمی ۱۲ سال تولید رشد نکند -که نشـان از عدم رشد تشکیل سرمایه خالص دارد- و هر سـال ۹۰۰ هـزار نفر نیز بـه متقاضیان کار اضافه شـود، ولـی در این مدت آمـار بی‌کاری تغییر معناداری نیابـد؟! انعکاس اطلاعات غلط به مسـئولان عالی‌رتبه، سبب عدم شـناخت واقعیت می‌شود و سیاست‌ها به غلط اتخاذ و نسخه به محل بیماری سـرایت نمی‌کند! به بهترین فرمانده نظامی اگر اطلاعـات غلط داده شـود، نمی‌توانـد ارزیابی درسـتی از شرایط داشته باشد و لشکر را به مخاطره می‌اندازد. امروز مملکت ما ام‌القرای اسلام است به فرمایش بنیان‌گذار فقید انقلاب اسلامی(ره) اگر این نظام خدای نکرده امروز شکسـت بخورد، نمی‌تواند در عصر حاضر سـر بلند کند! بنابرایـن از متصدیان امـور انتظار می‌رود بر مبنـای واقعیت و نه انتزاعی یا سـاختگی آمار و ارقام را بیان کرده، به شاخص‌ها بنگرند و به‌درستی سیاست‌گذاری کنند. آمار و ارقام در سامانه اقتصاد کلان با متخصصان حرف می‌زند؛ برای مثـال، کل تولید خالص به ارزشـی که عوامل تولید ایجـاد می‌کنند -که مابـازای پولی آن درآمد کشور محسوب می‌شود- به مصرف و سرمایه‌گذاری بخـش خصوصی و دولتـی، همچنین بـه خالص صـادرات تعلق می‌گیرد و اگر این‌طور نباشـد، مازاد تولید به انبارها می‌پیوندد و برای اسـتفاده در آینده منظور می‌شود؛ بنابراین آمار و ارقام درخصوص هر یک از اجزای آن باید با سایر اجزای دیگر سازگار باشد. فرضا نمی‌توان برای حجم مصرف بخش خصوصی و دولتـی آمـار داد، ولی با حجم سـرمایه‌گذاری یا صادرات ادعاشـده قابل جمع نباشـد و از مجموع درآمد حاصله بیشـتر شود. اسـتقراض و استفاده از منابع بیرونـی در اقتصاد کلان با نشـانه‌هایی قابل برآورد اسـت و برای اهل فن نمی‌تواند پنهان بماند. بنابراین توصیه می‌شود، اولا آمار و ارقامی که گویای شـرایط و اوضاع و احوال جامعه اسـت به مقامات عالی‌رتبه منعکس شـود، در ثانی برای حل مسائل و معضـلات، همان‌طور کـه مقام معظـم رهبری فرمودنـد از همـه ظرفیت فکری سـالم و دلسـوز اسـتفاده شـود. نگاه جناحی و گروهی به موضوع نشود؛ چون حیات، ممات و پیشرفت جامعه و نظام اسـلامی به آن وابسته اسـت. مجدد تأکید می‌شود یکی از مفاد مورد توجه سیاسـت‌گذاران که باید در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد، راهگشایی صادرات و امکان نقل و انتقـالات متقابل پول با دنیای خارج است. بعد از این مهم، رسیدگی به فضای کسب‌وکار و رشـد کارآفرینـی از طریـق اعمال سیاسـت‌های مؤثر بر رشـد سـرمایه‌گذاری‌های مفید و مورد نیاز بـا رویکردهـای تأمین مالی مناسـب اسـت. برای عملیاتی‌سازی این امور، علاوه بر اینکه باید معادلات میان خود با خارج را سـریع‌تر و به نیکی جمع‌بندی کرد، برای سیاست‌گذاری صواب، همان‌طور که اشاره شـد، ضروری اسـت که از تجربـه و ظرفیت فکری منابع انسانی دلسـوز و دانشمند بهره برد؛ همچنین برای مطالعـات علمی کاربردی ارزش قائل شـد و سیاست‌ها الزاما باید سند مطالعاتی داشته باشند. با این شیوه، نهادهای پژوهشی جامعه دلگرم، باانگیزه و فعال می‌شـوند و نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای در خدمـت به جامعه ایفا می‌کننـد؛ ضمن آنکه بار مسـئولیت متصدیان امور اجرائی نیز سبک می‌شود و وجدان آسوده‌ای نسـبت به سیاست‌های اتخاذی خود می‌یابند. هرگز جامعه نمی‌تواند آزمایشگاه قرار گیرد و روش آزمون و خطا به کار گرفته شـود. توان فکـری، اخلاقی، اراده و مدیریتی ما کم نیسـت؛ این توانایی در میان مردم قابل کشـف و استفاده است. امـروزه در عصـر اطلاعات، ما به همـه مفاد علوم بشری دسترسی داریم؛ تنها سلامت نفس، دلسوزی و دقت نظر لازم اسـت تا استعدادها شکوفا شوند و به میدان آیند. برای ایـن منظور باید نظام اطلاعاتی و امنیتی کشـور، بانک پویایی در شـناخت خبرگان و نخبگان سـالم داشته باشد. شـعار ما می‌توانیم، واقعیتی انکارنشدنی است.

* **دکترای اقتصاد**
و عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه پیام‌نور